

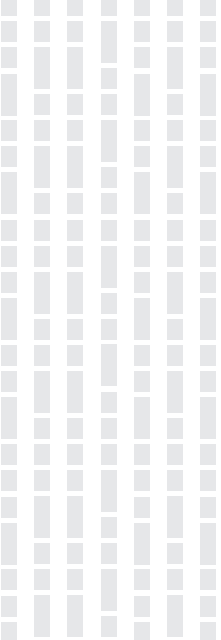
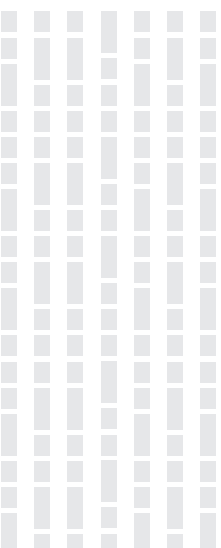
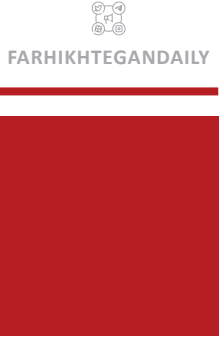
۱۴۰۳

چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۴۱۲

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY



برکناری فرمانده اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی ۸ روز پس از عملیات «وعده صادق» چه معنایی دارد؟

اولین قربانی



سیدمهدی طالبی
دیبرگروه جهان‌شهر

موفقیت‌ها وابسته به محاسبات دقیق هستند. بدون وجود یک رویه یا دستگاه محاسباتی دقیق، موفقیت‌ها معدود و براساس شانس به دست می‌آیند و مزیت‌هایشان نیز به سرعت از دست می‌روند. به این ترتیب ناکامی محصول یک رویه و دستگاه محاسباتی معیوب است. نهادها برای اصلاح، یک راه همیشگی را بر می‌گزینند؛ برکناری افراد اصلی. «آهارون هالیوا» رئیس رکن اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی موسوم به «امان» روز دوشنبه (۳ اردیبهشت) از سمت خود استعفا داد. روزنامه عبری یدیعوت آحورنوت دلیل استعفای او را شکست در «۷ اکتبر» و «حمله به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق» عنوان کرده است. هر چند ناکامی در روز ۷ اکتبر و جنگ چند ماهه طوفان الاقصی از همان روز نخست عامل موج استعفای نظامی و سیاسی در رژیم معرفی می‌شد، اما این اتفاق برای رئیس امان با فاصله‌ای قابل توجه رخ داده است. او ۱۹۹ روز پس از عملیات ۷ اکتبر، تقریباً نخستین مقام عالی‌رتبه‌ای است

که به دلیل وقوع این حمله از سمت خود استعفا می‌دهد.

پیش از او دانیل هاگاری، سخنگوی ارتش رژیم به همراه چند افسر این بخش از سمت خود استعفا داده بودند، اما آنها مسئولیتی عملیاتی نداشتند تا بتوان گفت قربانیان شکست‌ها جنگی هستند. از سوی دیگر در ۷ اکتبر امان تنها نهاد مقصر نیست. از موساد تا شاپاک و یگان‌های عملیاتی ارتش در بخش نظامی – امنیتی رژیم متهم این واقعه هستند. استعفای هالیوا اما ارتباط بیشتری با یک شکست دیگر رژیم دارد. روز ۱۳ فروردین (۱ آوریل) ارتش رژیم صهیونیستی بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق را مورد هدف قرار داد که به دنبال آن ۷ مستشار و دیپلمات ایرانی از جمله سه نظامی یا باره بالا به شهادت رسیدند. طبق برآورد‌ها ایران یا به این حمله پاسخ نمی‌داد یا آنکه دست به اقدامی کوچک و غیرمستقیم در پاسخ می‌زد.

برخلاف این برآورد‌ها اما ایران عملیاتی بزرگ تدارک دید. تهران در پاسخ به این اقدام شامگاه ۲۵ و بامداد ۲۶ فروردین (۱۳ و ۱۴ آوریل) با صد‌ها پهپاد و ده‌ها موشک کروز و بالستیک از خاک ایران به دو پایگاه نظامی و اطلاعاتی در فلسطین اشغالی حمله کرد. برخلاف ۷ اکتبر، حمله به سفارت ایران در سوریه و تحرکات پیرامون پاسخ ایران به‌طور مستقیم و تقریباً انحصاری در حیطه ماموریت‌های سازمان اطلاعات نظامی رژیم بود. هالیوا تنها ۸ روز پس از عملیات پاسخ ایران استعفا داد. نزدیکی زمانی استعفا به عملیات ایران و مسئولیت انحصاری سازمان اطلاعاتی نظامی ارتش در آن احتمالاً عامل اصلی استعفای فرمانده این سازمان است. او اما تنها قربانی نخواهد بود. امان به شمول افسران، تحلیل‌گران و جاسوسانش مقصر شکست ۱۴ آوریل هستند. خبرگزاری فلسطینی سما به نقل از رسانه‌های صهیونیستی گزارش کرده که گلوله برفی استغفاها در داخل ارتش این رژیم به راه افتاده و بعد از استعفای آهارون هالیوا، رئیس بخش اطلاعات نظامی و تصمیم «یهودا فرکس»، فرمانده منطقه مرکزی ارتش رژیم صهیونیستی برای استعفا، فرمانده «واحد۸۲۰» گزینه بعدی خواهد بود.

واحد ۸۲۰ یکی از واحدهای زیرمجموعه سازمان اطلاعاتی نظامی ارتش بوده و تغییرات در آن پس از استعفای هالیوا، نشان‌دهنده آغاز یک زلزله در این سازمان است.

نکات

استعفای رئیس یک سازمان مهم ارتش رژیم صهیونیستی که مهم‌ترین رکن موجودیت آن است، نمی‌تواند به‌سادگی تحلیل شود. در رژیم صهیونیستی قدرت نظامی بر هر چیز تقدم دارد. ارتش صهیونیست‌ها پیش از موجودیت یافتن رژیم تشکیل شد تا فضایی برای حضور و فعالیت یهودیان مهاجر ایجاد کند.

بدون ارتش صهیونیست‌ها قادر به ماندن در سرزمین‌های اشغالی نیستند، درحالی‌که بسیاری از ملت‌ها دوره انحلال ارتش و بی‌دولتی را تجربه کرده‌اند. این مسائل نشان می‌دهد استعفای مقامات نظامی در رژیم را باید با دقتی متفاوت بررسی کرد:

۱- هر دولتی برای بسط نفوذ خود به مولفه‌هایی متکی است.

شوروی با ایدئولوژی و حمایت از گروه‌های چپ‌گرا و آزادی بخش درصد توسعه نفوذ خود در جهان بود. انگلیس با تجارت و سیاست‌هایی مانند تفرقه‌اندازی، فضای نفوذ برای خود فراهم می‌کرد. اساس قدرت آمریکا اما توان نظامی‌اش به‌ویژه در دریاهاست. توان رژیم صهیونیستی نیز همانند آمریکا در قدرت نظامی آن نهفته است. در اعمال قدرت نظامی اما تنها ابزارها دارای اهمیت نیستند و بازوهایی‌که استراتژی‌های جنگی، شناسایی و تحلیل را انجام می‌دهند نیز حائز اهمیتند. از این رو امان نسبت به شاپاک و موساد دارای اهمیت بیشتری است. شاپاک امنیت داخلی را در کنار دیگر نهاد‌ها ازجمله پلیس و ارتش برعهده دارد. موساد نیز اقدامات امنیتی در خارج را انجام می‌دهد که در اوج فعالیتش می‌تواند موفقیت‌های نسبی و نه قاطع را به‌دست آورد. امان اما وضعیتی متفاوت دارد. امان باید اطلاعات دقیقی را در حوزه نظامی، جمع‌آوری و تحلیل کرده و به انتخاب اهداف کمک کند. امان چشمان ارتش رژیم صهیونیستی است. تل‌آویو بدون موساد و شاپاک قادر به مدیریت اوضاع است اما بدون امان با از کارافتادن هدفمندی و هوشمندی ارتش، نخواهد توانست به اعمال قدرت خود ادامه دهد.

۲- امان، بزرگ‌ترین سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی است که هر کدام از واحدهای آن به شکل مستقل دارای ابعادی بزرگ هستند. موساد و شاپاک به دلیل جذب منابع عادی و عمومی و به‌کارگیری جاسوسان مزدور و افسران رابط شاید دارای نیروی انسانی زیادی باشند، اما با این وجود به لحاظ کیفی، برتری با امان است، نه هر چند گفته می‌شود با تمام تفاسیر. امان پرسنل اصلی بیشتری نسبت به موساد و شاپاک دارد.

۳- شاپاک مسئولیت حوزه داخلی را برعهده دارد که شامل سرزمین‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۶۷ به همراه ردن می‌شود. شاپاک و موساد به لحاظ نوع ماموریت با یکدیگر شباهت دارند، هر چند حوزه جغرافیایی عملکرد آنها متفاوت است؛ شاپاک در داخل و موساد در خارج. امان اما به لحاظ موضوع تمرکز و محیط جغرافیایی با شاپاک و موساد تفاوت‌هایی دارد. به لحاظ موضوع، امان به دنبال اطلاعات نظامی و استراتژیک است، نه هر فرد و شخصیتی‌که از نظر تل‌آویو دارای مشکلات امنیتی باشد. امان قدرت نظامی کشورها، اندیشکده‌ها، اتاق‌های فکر و تصمیم‌گیران اصلی را رصد می‌کند تا از نقشه‌ها و طرح‌های استراتژیک و نوع تفکر آنها آگاه شده و بر تصمیمات‌شان اشراف یابد. از این رو دستگاه‌های نظامی، صنایع نظامی، فرماندهان و نهادهای وابسته به آنها در حوزه ماموریتی امان هستند.

این مساله باعث کاسته شدن از جغرافیای عمل این سازمان نیز می‌شود، زیرا امروزه نهاد محور مقاومت در دایره امان می‌گنجد و دیگران مانند کشورهای عربی با توجه به وضعیت‌شان تهدیدی نظامی علیه تل‌آویو به حساب نمی‌آیند.

موساد اما گسترگی جغرافیایی بیشتری دارد و فعالیت افراد و گروه‌های مخالف صهیونیسم را در سراسر جهان دنبال می‌کند. اقداماتی مانند ترور افراد یا حتی خرابی‌کاری‌ها که به شکل امنیتی انجام می‌شود، در حوزه ماموریتی موساد است.

حملات نظامی مانند اقداماتی که رژیم صهیونیستی به وسیله ابزارهای نظامی مانند پهپاد و جنگنده‌ها انجام می‌دهد در حوزه ماموریتی امان قرار می‌گیرند. مانند حملات به عراق و سوریه. با توجه به ظرفیت پایین رژیم در هضم ضربات وارده که باعث در دستورکار قرار گرفتن دکترین خنثی‌سازی و حملات پیش‌دستانه در تل‌آویو شده است، اهمیت امان برای تشخیص تهدید و نقطه خنثی‌سازی بسیار اهمیت دارد.

۴- اهمیت بالای سازمان اطلاعات نظامی ارتش رژیم را می‌توان از واحدهای زیرمجموعه آن درک کرد. واحدهایی مانند ۸۲۰، ۹۹۰ و ۵۴۹ زیرمجموعه امان هستند.

یگان ۸۲۰ که مسئول شنود، شکستن کدها و جنگ الکترونیک است؛ این یگان یکی از مشهورترین بخش‌ها در دستگاه نظامی-اطلاعاتی رژیم است. ۹۹۰ مسئول عکسبرداری و جمع‌آوری اطلاعات تصویری و بصری شامل داده‌ها و اطلاعات جغرافیایی از ماهواره‌ها، هواپیماهای تجسسی و پهپادها است. واحد ۵۴۹ یگان اطلاعات انسانی است که جاسوسانی مرتبط با حوزه ماموریت امان را در پیرامون برنامه‌های نظامی و صنعتی کشورهای هدف جذب می‌کند. این بخش حتی بر زیرساخت‌های نظامی گروه‌های

مقاومتی در غزه و کرانه باختری نیز نظارت می‌کند.

امان اخیراً نیز واحد جدیدی به نام «شاخه ۵۴» تشکیل داد که ماموریتش آمادگی برای جنگ احتمالی با ایران، و به‌ویژه با سپاه پاسداران است. تا پیش از این با توجه به مسافت زیاد میان ایران و فلسطین اشغالی، تصورات بر این بود که تهران و تل‌آویو به شکل مستقیم با یکدیگر درگیر نمی‌شوند. این دیدگاه مدت‌ها قبل در سایه رشد جدی تسلیحاتی ایران تغییر کرده و با عملیات وعده صادق اثبات شد.

۵- با توجه به آمریکایی بودن اغلب تسلیحات وارداتی ارتش رژیم به‌ویژه در نیروی هوایی، امان نیز به تبع ارتش به شدت تحت تأثیر آمریکاست و ارتباطات تقریباً به واشنگتن منحصراً می‌شود. ضربه به امان با توجه به رشد فزاینده راست‌گرایان افراطی در سرزمین‌های اشغالی، ضربه‌ای با نفوذ آمریکا در رژیم تلقی می‌شود.

۶- تعدادی از مقامات ارتش رژیم استعفا داده‌اند اما یک راه برای جلوگیری از تغییر سریع و بروز درهم‌ریختگی در بخش‌های ارتش، طول دادن انتخاب جانشین آنهاست. از این رو رئیس امان نیز به سرعت تعویض نمی‌شود.

در وضعیت فعلی، معرفی جانشین مقامات مستعفی بسیار دشوار است. دلیل این دشواری، در معرض اتهام بودن دیگران است. به شکل طبیعی با استعفا یا بازنشستگی یک مسئول در نهادی تخصصی، جانشین او باید از میان معاونان یا یکی از افراد از داخل آن مجموعه انتخاب شود؛ به‌ویژه در نهادهای نظامی و اطلاعاتی‌که تعصب آن‌ها خدود در دورن ساختار جریان دارد. به این‌حال اعلام جانشین برای این مقامات باید پس از بررسی‌های کامل درباره متهمان انجام شود. هنگامی‌که مقامات هنوز دستورات رسمی بررسی مقصران را صادر نکرده‌اند، بدون مشخص شدن خطاکاران، انتصاب جانشین غیرخطاکار ممکن نیست.

۷- اشکالات رخ داده به دنبال ۷ اکتبر به دلیل اشتباهات فردی رخ ن داده‌اند. از سوی دیگر تنها یک نهاد نیز در آن دخالت نداشته است. مجموعه‌ای از سازمان‌ها مانند موساد، شاپاک، امان و ارتش مقصر بوده‌اند. اگر سازمان‌های اطلاعاتی نادییده گرفته شوند، یگان‌های ارتش مستقر در اطراف غزه باید می‌توانستند در برابر هجوم نیروهای حماس دست به مقاومت بزنند اما آنها نیز ناکام مانده و هزاران نیروی ارتش رژیم کشته و زخمی شده یا به اسارت درآمدند.

از این رو رژیم همزمان با برکناری افراد، کار دشوار عیب‌یابی ساختاری و اصلاح نهادی از نیز پیش‌روی خود دارد. اجرای هم‌زمان و موازی این دو اقدام، می‌تواند باعث اختلال گسترده در عملکردها شود. اگر اقدامی باعث اخلاط در عملکرد کلی یک نهاد شود، از آن صرف‌نظر می‌شود که نتیجه آن باقی ماندن اشکالات قبلی است.

بر این اساس صهیونیست‌ها بیم دارند که استغفاها به دگرگونی کامل منجر نشود که معنای آن احتمال وقوع رویدادهای مشابه ۷ اکتبر است. از همین رو یانیر لاپید پس از استعفای رئیس سازمان اطلاعات نظامی از نتانیاهو نیز خواست همانند او استعفا دهد.

۸- با توجه به اهمیت ارتش در رژیم و ارتباط گسترده این نهاد با عرصه سیاسی که از حضور بر تعداد فرماندهان نظامی در سیاست مشخص است، هرگونه تغییر در ارتش می‌تواند اثراتی بزرگ در سیاست بگذارد.

۹- انتظار می‌رود که موج استغفاها پیش از آغاز رسمی تحقیقات درباره ۷ اکتبر به راه بیفتد. به نظر می‌رسد با توجه به تحقیقات پیش‌رو، بسیاری برای آنکه محکوم یا برکنار نشوند، خود استعفا دهند.

۱۰- سربازان و افسران به فرماندهان شکست‌خورده اطمینان ندارند. فرماندهان شکست‌خورده نیز به دلیل غم شکست، ناتوان می‌شوند. دولت رژیم دلیل ناکامی‌های جنگی خود طی ۷ ماه اخیر را نیز حضور این فرماندهان می‌داند و به دنبال تغییر فضا یا تغییر فرماندهان شکست‌خورده است.

۱۱- جبهه غزه، سوریه، عراق، یمن و ایران تا حدودی آرام شده‌اند؛ هرچند مقاومت لبنان روز گذشته بر شدت حملات افزوده و به عکا برای نخستین بار طی دو دهه اخیر حمله کرد.

آغاز موج استغفا نشان‌ه‌ای از استفاده رژیم از فرصت فراغت از جنگ برای بازسازی سازمان خود است.

شهادت «طالع یوسفاف»

در زندان حکومت الهام علی‌اف

در باکو جایی

برای شیعیان نیست



قاطعه بریمانی خبرنگارگروه جهان‌شهر

آخرین قاب زندگی شهید طالع یوسفاف سقف زندان الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور مادام‌العمر آذربایجان بود.

طالع یوسف در دفاع از حرم حضرت زینب(س) در سوریه، همراه سردار شهید قاسم سلیمانی شده‌و به‌حاج تقی مشهورشد.او یکی از رزمندگان مقاومت اسلامی آذربایجان موسوم به «حسینیون» بود. یوسف‌اف در ۳ اردیبهشت در حالی‌که در زندان علی‌اف گرفتار بود، به شهادت رسید. دی‌ماه۱۳۰۱ سرویس امنیتی روسیه‌به درخواست وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان طالع یوسف‌اف و ۵ نفر دیگر را در مسکو دستگیر و به باکو تحویل داد. دولت آذربایجان ادعا می‌کرد طالع یوسف‌اف در همکاری با نهادهای ایرانی به دنبال جذب و آموزش نیرو برای حسینیون و مشارکت در جنگ سوریه‌است. مسکو درحالی‌این اتهام را مورد پذیرش قرار داد و اجراء کرد که خود در قالب نیروهای ضد‌تروریسم بر اساس نقشی که برایش در نظر گرفته شد، ضلع هوایی این نیروها را برعهده گرفته و در زمین نیز یگان‌هایی برای تمرین و فعالیت داشت.

پس از آنکه حساب‌کاربوری حسینیون در شبکه «ایکس» با انتشار عکس حاج تقی خیر شهادت او را اعلام کرد، واکنش کاربران نشان داد دولت باکو فشارهای شدیدی به شیعیان این کشور وارد می‌کند که نگرانی‌هایی را برمی‌انگیزد. برخی رفتار آذربایجان و سیاست‌های حکومت این کشور را «دیکتاتوری باکو علیه شیعیان» خوانده‌اند.

ادامه شوروی برای شیعیان

با توجه به سیاست‌های بومی‌زدایی در دوران امپراتوری تزاری و شوروی که شامل تغییر در فرهنگ و دین مردم ملت‌های تحت سلطه‌بوده‌است، آذربایجان نیز به شدت تحت تأثیر وضعیت باقی‌مانده و عوامل بازمانده از دوران‌های گذشته است. الهام علی‌اف، فرزند حیدر علی‌اف حاکم سابق آذربایجان است که در دوران شوروی، عضو ارتشد. گ. ب، سازمان اطلاعاتی شوروی و رئیس حزب کمونیست آذربایجان بود. آذربایجان نیز به مانند بسیاری از جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی همچنان تحت تأثیر دوران کمونیستی است؛ هرچند در تعدادی از این جمهوری‌ها، سقوط عوامل باقی‌مانده از شوروی باعث بروز تغییراتی شده‌است. در کشورهایی مانند اوکراین، گرجستان و ارمنستان نظام بازمانده از شوروی ضربه خورده‌ولی در آسیای میانه، آذربایجان و بلاروس همچنان تا حد زیادی دست‌نخورده مانده‌است. سه جمهوری بالتیکی نیز از اساس تغییر یافته و امروزه جزئی از اتحادیه اروپا و ناتو هستند. در آذربایجان با توجه به آنکه نظام بازمانده دوران شوروی است، باید ضلعت با دین یک مساله عمومی باشد اما در این کشور تنها ضدیت با شیعیان وجود دارد. باکو به دلیل ارتباطاتی که با ترکیه، عربستان سعودی، غرب و رژیم صهیونیستی پیدا کرده‌است، شاهد رشد تفکرات تکفیری، سلفی و وهابی‌گری بوده و هم‌زمان یهودیان نیز قدرت و نفوذی بیشتر یافته‌اند. در این میان اما شیعیان که اکثریت ۸۵ درصدی را در این کشور تشکیل می‌دهند، به شدت تحت فشار قرار دارند. عدم حمایت و جلوگیری از ایجاد سازوکارهای بین‌المللی و محلی برای فعالیت شیعیان، تحت نظارت قرار دادن، اعمال محدودیت، بازداشت و بازخواست به همراه دستگیری و محکومیت فعالان شیعه زنجیره‌ای از اقدامات دولت باکو علیه شیعیان هستند.

پلمب دفتر نمایندگی رهبری در باکو

۱۳مهر سال ۱۴۰۰ خبری در رسانه‌ها مبنی بر پلمب شدن دفتر نمایندگی مقام‌معظم رهبری در باکو به دستور مقامات جمهوری آذربایجان منتشر شد. باکو که طی دو هفته و از ابتدای ماه مهر درگیر کشمکش میان شیعیان و حکومت آذربایجان بود، در نهایت دفتر مقام‌معظم رهبری را پلمب کرد. البته پس از انتشار این خبر، اطلاع‌رسانی دیگری از جانب سفارت ایران در آذربایجان منتشر شد که حاکی از خبر اولیه بود؛ با این‌حال دفتر، به شکل غیررسمی هم‌که بود، تعطیل شد. به استناد آنچه سفارت ایران در آن برعه اعلام کرد، چند تن از ماموران پلیس پایتخت جمهوری آذربایجان به حسینه‌ای اهل بیت علیهم‌السلام (معروف به حسینیة ایرانیان) محل برگزاری مراسم مذهبی و اقامه نماز جمعه به امامت سیدعلی اکبر‌اجاق‌نژاد، نماینده رهبری در آذربایجان رفتند و اعلام کردند به دلیل لزوم رعایت پروتکل‌های بهداشتی کرونایی حسینه‌تا اطلاع ثانوی بسته می‌شود. با وجود بسته‌شدن دفتر رهبری در باکو اما بازگشت علی‌اکبر اجاق‌پور کمی از اتهامات زدود. سیدعلی اکبر اجاق‌پور که از سال ۱۳۷۵ به عنوان نماینده ولی فقیه در آذربایجان فعالیت می‌کرد در سال۱۴۰۲ توسط رهبر انقلاب به‌تولیت مسجد مقدس جمکران منصوب شدند. این انتصاب نشان داد دفتر رهبری با مبنوعیت فعالیت مسئول تراز آن، از رسمیت افتاده و تقریباً تعطیل شده است.

نسلی که زیر بار زور نمی‌رود

در سال ۱۴۰۱ خبری عجیب از رسانه‌های شیعی در آذربایجان منتشر شد که نشان می‌داد دولت باکو حضور جوانان در مساجد و حسینه‌ها را ممنوع اعلام کرده‌است. این سیاست به موازات اقدامات حکومت علی‌اف در تخریب مساجد و حسینه‌ها، نشان‌دهنده قرار دادن شیعیان در منگنه بود. حکومت باکو در ایام عزاداری محرم همواره تاش می‌کرد و با دلایل واهی در برابر برنامه‌های عزاداری کارشکنی کند اما با توجه به حضور مردمی توان مقابله با خیل عظیم جمعیت را نداشت. از این رو حکومت علی‌اف برای اجرای نقشه خود حضور جوانان زیر ۱۸ سال را در مراسم عزاداری و مساجد ممنوع اعلام کرد. باکو یگران نسل بعدی از شیعیان است که در آذربایجان تربیت خواهند شد. آذربایجان این نسل را مانعی بر سر راه اجرایی کردن سیاست‌های غرب‌گرایانه خود می‌داند. در سوسی مقابله و در واکنش به این سیاست تبعیض آمیز، جوانان سراسر شهرهای جمهوری آذربایجان با راه‌اندازی پویش «هر خانه یک حسینه» در منازل خود اقدام به عزاداری برای امام شهید خود کردند تا با سیاست‌های علی‌اف مخالفت کنند.

زمین وزمانه بد

حکومت آذربایجان در زمین و زمانه‌ای وارد اقدامات پردامنه علیه شیعیان شده که محور مقاومت اسلامی به شمول مسلمانان از شیعه‌تا سنی با دیدگاه‌های مقاومتی درحال افزایش قدرت است. در سوی دیگر این افزایش قدرت منجر به کاهش قدرت برخی از دولت‌ها و بازیگران فرامنطقه‌ای شده‌است. دولت باکو طی تحولات سال‌های اخیر که به محاصره استراتژیک رژیم صهیونیستی، کاهش امکان تحریک نیروهای آمریکایی در منطقه و همچنین عملیات «وعده صادق» انجامید، صحنه‌ای مملو از امید، انگیزه، خلاقیت و اراده در طراحی و اجرای پروژه‌های بزرگ را مشاهده کرده‌است. آذربایجان با وجود مذاهب و اقوام تحت فشار، تبدیل شدن به منشأ تهدید، بازیگری فراز از ایجاد و قواره و همچنین حکومتی خاندانی و غیردموکراتیک در معرض ورش‌بادهایی است که اگر برخیزند، فروپاشاندن شان کار هر کسی نیست.